



از تحول تا تولید علوم انسانی - اسلامی

حدود یک دهه است که مقام معظم رهبری با ادبیات مختلف و به انحاء گوناگون، سخن از علوم انسانی، اهمیت و ضرورت تحول در آن را مطرح و تحلیل کردند تا به تدریج گفتمان تحول در ساحت علوم انسانی را با اسلامی سازی دانشگاه‌ها، بومی سازی و تولید علوم انسانی - اسلامی، گفتمان معقول و مقبول بر جامعه علمی حوزوی - دانشگاهی و حتی گفتمان اجتماعی قرار دادند تا گامی مهم و اساسی در تحول مبنایی و زیرساختی در متن جامعه اسلامی برداشته شود.

شایان ذکر است این گفتمان، آرا و انظار متفاوت و متهافتی را به خود معطوف کرد که منشأ برکات علمی و تولید اندیشه شده و می شود و جامعه علمی را پویا، زنده و بالنده نگاه می دارد؛ به گونه‌ای که نظریه‌های متکثری در امکان و عدم امکان علم دینی، مطلوبیت و عدم مطلوبیت علم دینی، چیستی و چگونگی اسلامی سازی علوم انسانی، نقد علوم انسانی موجود و محقق، علوم

انسانی بایسته و نشانه‌ها و نشانی‌های آن و... طرح، تحلیل، نقد و ارزیابی شده است. آری! طرح نکاتی اساسی و بنیادین از سوی مقام معظم رهبری؛ مانند:

۱. اجتهاد در علوم انسانی (۹۰/۵/۱۹)؛
۲. ضرورت مبناسازی قرآن برای تولید علم (۸۸/۷/۲۸)؛
۳. نقد مبانی علوم انسانی غرب (۸۴/۱۰/۲۹ و ۸۸/۶/۸)؛
۴. تولید علم دینی و اسلامی (۸۳/۹/۲۶، ۸۲/۸/۸ و...)
۵. لزوم خودآگاهی در محیط‌های علمی (۷۹/۱۲/۹)؛
۶. سکولاریزاسیون و دینی‌نبودن علوم انسانی در غرب (۸۳/۹/۲۶، ۸۴/۱۰/۲۹ و...)
۷. نهضت آزاداندیشی و تولید علم (۸۱/۱۱/۷، ۸۲/۲/۲۲ و...).

بر این اساس، تهذیب و تذهیب علوم انسانی، تحول و تولید در عرصه علوم انسانی، بومی‌سازی علوم انسانی، آزاداندیشی در ساحت علم و نواندیشی و... همه و همه بسترسازی در تحقق گفتمان تولید علوم انسانی - اسلامی است که باید با عقلانیت و تعهدپذیری تمام‌عیار و هوشمندی خاصی صورت پذیرد.

روشن است در تحقق تولید علم دینی و اسلامی‌سازی علوم انسانی، باید نخست گام‌های ذیل برداشته شود:

۱. شناخت مفاهیم کلیدی در حوزه علوم انسانی؛ مانند: چیستی علم دینی، معنا و مصداق‌شناسی علوم انسانی، نقد و کیفیت نقد علوم انسانی موجود در ایران و غرب، چیستی بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم انسانی و...؛
۲. تولید فلسفه علوم انسانی - اسلامی؛
۳. تبیین پیش‌فرض‌های علوم انسانی اسلامی؛

۴. تبیین رویکردها و رهیافت‌های تحول در عرصه علوم انسانی با هدف تولید علوم انسانی - اسلامی؛
 ۵. تصویر و تفسیر وضع موجود و مطلوب؛
 ۶. تفکیک روشن و همراه با شاخص‌ها و معیارهای علوم انسانی - اسلامی از علوم انسانی غرب با تئوری‌های مشخص و شفاف؛
 ۷. تبیین روش‌شناسی نقد علوم انسانی موجود و محقق یا آنچه هست برای علوم انسانی بایسته و آنچه باید؛
 ۸. روشن‌سازی منبع‌بودن و مبناشدن قرآن برای تولید علوم انسانی - اسلامی؛
 ۹. ترسیم نقشه راه و داشتن چشم‌اندازی مشخص و همچنین، مهندسی و مدیریت تولید علم دینی؛
 ۱۰. پیشگیری و درمان یا تلفیق مقام دفع و رفع سیاست‌زدگی و سیاسی‌کاری در ساحت تولید علم دینی؛
 ۱۱. ارائه راهکارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مبنایی و بنایی در اسلامی‌سازی علوم انسانی؛
 ۱۲. ضرورت اجتناب از محافظه‌کاری در محافل حوزوی و دانشگاهی؛
 ۱۳. نظارت بر تدوین متون علوم انسانی با استفاده از استادان برجسته و فرزندان عرصه علم که تعهد دینی و انقلابی دارند؛
 ۱۴. داشتن شجاعت علمی و خودباوری، امید به آینده، خطرپذیری و پشتکار لازم در پیشرفت علمی و
- در اینجا لازم است رهنمودهایی از مقام معظم رهبری را به صورت گزاره‌هایی نقل کنیم:

گزاره اول: «ما دنبال علمی هستیم که ما را به معنویت، به انسانیت، به خدا و به بهشت نزدیک کند» (۸۶/۶/۱۲).

گزاره دوم: «ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد...» (۸۸/۷/۲۸).

گزاره سوم: «ما باید در علوم انسانی، اجتهاد کنیم. نباید مقلد باشیم... حرف من این است که در باب علوم انسانی، کار عمیق انجام بگیرد و صاحبان فکر و اندیشه در این زمینه کار کنند» (۹۰/۵/۱۹).

گزاره چهارم: «تولید علم یعنی رفتن از راههایی که به نظر راههای نارفته است. البته این به آن معنا نیست که ما راههایی را که دیگران رفته‌اند، نرویم و به تجربه‌های دیگران بی‌اعتنایی کنیم، بلکه به این معناست که به فکر باشیم... به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم... ما باید این جرأت را داشته باشیم که فکر کنیم می‌توانیم نوآوری کنیم» (۸۳/۹/۲۶).

گزاره پنجم: «باید ایده‌ها در چهارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت کنند و مصادف دهند تا جهان اسلام اعاده هویت و عزت کند...» (۸۱/۱۱/۱۶).

گزاره ششم: «دو عنصر از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در پیشرفت‌های ملی برای کشورها، عبارت است از: "خطرپذیری" و یکی هم "کار سخت و پیگیر و پشتکار"» (۸۵/۶/۲۵).

گزاره هفتم: «... باید تلاش کرد برای اینکه علوم انسانی را بر پایه‌های اسلامی، با تفکر اسلامی، با دید اسلامی و مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی تدوین کنیم. اگر پول لازم دارد، صرف شود. اگر تربیت افرادی لازم است، این کار را

انجام بدهیم؛ یعنی زمانی که از اول انقلاب تاکنون گذراندیم، زمان کمی نیست و قاعده این است که در یک چنین مدتی ما توانسته باشیم بخش عمده‌ای از کار را پیش ببریم. هرچه دیرتر شود، بدتر خواهد بود. بایستی هیچ فوت وقت را اجازه ندهیم».

آری! هدف نهایی تحول در علوم انسانی، دستیابی و تولید علوم انسانی — اسلامی است تا فرد و جامعه اسلامی به سوی حیات طیبه سوق و سیر یابد. حیات طیبه ای که براساس جهان‌بینی توحیدی و ایدئولوژی اسلامی شکل و شاکله می‌یابد و به تعبیر قرآن کریم کلمه طیبه و عمل صالح، پایه و مایه اصلی حیات طیبه هست؛ چنان‌که ایمان و عمل صالح را ریشه و عامل اکتساب آن بر می‌شمارد (ر.ک: نحل: ۹۷ / ابراهیم: ۲۴ / فاطر: ۱۰ و...).

از سوی دیگر، در تفکر دینی، علوم اسلامی دارای هویت و حیانی‌اند و بنیان معرفت‌شناختی آن بر روش ترکیبی از حسی، عقلی و شهودی ذیل ولایت وحی است که وحی خود منبع علوم و معارف فراتجربی و تجریدی است و به تعبیر علامه جوادی آملی: «سلطان و سیمرغ همه این علوم (تجربی، نیمه‌تجریدی و تجریدی)، وحی الهی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۲۲)؛ بنابراین علم دینی هویت‌دار و هویت‌بخش است؛ زیرا علم اسلامی، حیات معقول و حیات عالمانه عاملانه که قوام حیات طیب است را به ارمغان می‌آورد و این علوم، جامعه را متحول می‌سازد تا زندگی جدید با معیارها، شاخص‌های خاص، معنادار و هدفمند برای او بسازد که هم آرامش و امنیت و هم آسایش و عدالت در آن متموج و متبلور است و پیشرفت اسلامی که بر تحول و تولید علوم انسانی — اسلامی متکی است؛ یعنی همین. در قرآن نیز استجاب دعوت خدا و

رسول خدا ﷺ، علت موجد و مبقیه حیات عقلانی - معنوی که حیات جاودانه است، دانسته شد (ر.ک: انفال: ۲۴). بر این اساس، فرد و جامعه الهی در سایه علم اسلامی و صائب و عمل صالح، هویت نوین و شاکله جدید می‌یابد که علم نافع دانش هویت‌ساز و شاکله‌پرداز است (ر.ک: نهج البلاغه، ن ۳۱ / مستدرک، ج ۵، ص ۶۹). علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۹۷ سوره نحل، بر چنین علم صادق و عمل صالح هویت‌ساز و حیات طیبه‌پرداز که آکنده از معنویت توأم با عقلانیت و معرفت است، تأکید و تکیه می‌ورزد (ر.ک: طباطبایی، ۱۹۹۳، ج ۱۲، ص ۳۴۱-۳۴۲).

بنابراین علوم انسانی - اسلامی، دارای مبانی‌ای مانند: هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی، غایت‌شناختی و... است که از منبع قرآن دریافت شده، با مبنای و حیانی طرح و تولید شده باشد. و هم‌اکنون در شماره پیش روی کتاب نقد که فصلنامه انتقادی - فکری در حوزه علوم انسانی است، نقد مبانی سکولار علوم انسانی، تفاوت‌های آن با علم دینی و ویژگی‌های علم سکولار مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد. آنگاه آسیب‌شناسی علمی - معرفتی در ساحت علوم انسانی نیز صورت گرفته، در تحقق چنین هدفی، مفاهیم کلیدی حوزه علوم انسانی براساس دیدگاه مقام معظم رهبری به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد؛ چنان‌که در مقاله‌ای نظریه نسبت معرفت‌شناختی به عنوان مبنایی از مبانی علوم انسانی موجود به بوطه نقد درآمد. بحث از علم اصول به عنوان یکی از علوم دینی از جهت مبادی پژوهی اصولیون با رویکردی مفهوم‌شناسانه و جایگاه‌شناسانه علم اصول نیز در این شماره مطرح و مورد پژوهش قرار گرفته است.

در مقاله سطوح سکولار علوم انسانی نیز سکولاریسم در ساحت‌های موضوع، روش، نظریه‌پردازی، گزاره‌ها و رویکردها مورد سنجش، ارزیابی و نقد واقع شد؛ چنان‌که در مقاله روحانیت و اسلامی‌سازی معرفت، ضمن بررسی نقش روحانیت در علوم انسانی، پنج رویکرد «سنتی»، «تهذیبی»، «بنیان‌گرایانه»، «مجددگرایانه» و «نواندیشی دینی» بحث و تحلیل شد.

امید است گامی هرچند کوچک در تنویر افکار، جلب اندیشه‌ها، تضارب آرا و علمی‌کردن فضای نقادی‌گرایی درباره علم دینی و سکولار برداشته باشیم.

سردبیر



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. جوادی آملی، عبدالله؛ فصلنامه اسراء؛ قم: مؤسسه بین المللی معارف و حیانی، ۱۳۸۸.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی؛ سایت معظم له.
۵. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: اسماعیلیان، ۱۹۹۳، قم.